

# در افغانستان چه می‌گذرد؟

گفت‌وگوی دانیل بسنر با درک  
دیویدسون



سقوط سریع افغانستان به دامان حاکمیت طالبان وضعیت پرهرج و مرجی ایجاد کرده است، وضعیتی بغرنج. اما نکته‌ای بنیادی وجود دارد: دو دهه اشغال و خون‌ریزی هیچ دستاوردی برای امریکا نداشته است.

چند هفته پس از آغاز خروج نیروهای آمریکایی، طالبان پایتخت کابل را تصرف کرد و خودش را دولت جدید خواند. رئیس‌جمهور تحت حمایت امریکا از کشور گریخت. بلافاصله در محافل نخبگان مقایسه‌های سردستی با «سقوط سایگون» در ۱۹۷۵ رواج یافت.

برای درک همه‌ی این موارد، دانیل بسنر و درک دیویسون، میزبانان پادکست جدید/امریکن پرستیژ که با دیدگاه چپ نو سیاست خارجی امریکا را بررسی می‌کند در روزهای اخیر به بحث در این زمینه پرداختند. آن‌چه در پی می‌آید نسخه‌ی ویراسته و فشرده‌ی این گفت‌وگو است. فایل شنیداری کامل آن [به زبان انگلیسی] را در [این جا](#) خواهید یافت.

### دانیل بسنر: چرا افغانستان سقوط کرده است؟

درک دیویسون: پاسخ کوتاه این است که ارتش و دولت افغانستان عمارتی پوشالی بود. این را می‌دانستیم. بازرس ویژه‌ی بازسازی افغانستان بارها و بارها این را گفته است. دو سال پیش، *واشینگتن پست* «[وراق پاکستان](#)» را منتشر کرد، این مجموعه اسناد رسواکننده اساساً نشان داد همه‌ی آن‌چه ایالات متحده درباره‌ی توانایی‌های ارتش افغانستان و نحوه‌ی پیشبرد جنگ می‌گفته، دروغ است.

نتیجه آن که طالبان ظرف چند هفته کل کشور را گرفته است. رئیس‌جمهور افغانستان از کشور گریخته است، ظاهراً به‌منظور جلوگیری از خون‌ریزی (مطمئن هستیم که لاقلاً برای جلوگیری از ریختن خون خودش). اوضاع کمی بلا تکلیف است زیرا آن‌ها هنوز دولت جدید خود را تشکیل نداده‌اند، اما احتمالاً خیلی شبیه آخرین

دولت تحت رهبری طالبان خواهد بود. شایعه است که مولوی عبدالحکیم، مذاکره‌کننده‌ی ارشد طالبان، رئیس دولت جدید این کشور خواهد شد. آنچه واقعاً بر هرج و مرج در این جا می‌افزاید وضعیت سفارتخانه‌های غربی است. بسیاری از دولت‌ها، از جمله ایالات متحده، سفارتخانه‌های خود را تخلیه و کارمندان خود را به فرودگاه کابل منتقل کرده‌اند، و ظاهراً در تلاش‌اند تا مردم را از کشور خارج کنند. مشخص نیست که فراتر از شهروندان امریکا چه ظرفیتی برای خروج افراد از افغانستان وجود دارد. معلوم نیست چه برسر مترجمان و دیگر افغان‌هایی می‌آید که با ارتش ایالات متحده و سایر نهادهای آمریکایی کار کرده‌اند. آن‌ها باید سال‌های پیش تخلیه می‌شدند، اما اکنون، پس از سقوط کشور، در تلاش هستیم تا آن‌ها را خارج کنیم.

فکر می‌کنم دیدگاه ما این است که بهترین سیاست خارجی دربارهی افغانستان یک سیاست داخلی [در امریکا] است که براساس پذیرش پناهندگان سازمان‌دهی شده باشد. دولت آمریکا اساساً می‌تواند به هر کسی در هر زمانی اجازه‌ی ورود به این کشور بدهد و می‌تواند آن را به یک برنامه‌ی شغلی مرتبط کند. اما فکر می‌کنم بعید است چنین چیزی رخ دهد، مگر در برخی شرایط نمادین.

قبل از ادامه‌ی صحبت، مایلم بر سرعت فروپاشی تأکید کنم. فکر می‌کنم در روزها و هفته‌های آینده مقایسه‌های بسیاری با ویتنام خواهید شنید. اما دولت ویتنام جنوبی پس از حدود دو سال سقوط کرد. فروپاشی فوق‌العاده سریع در افغانستان فقط تأکیدی است بر مضحکه‌ی کل پروژه‌ی ملت‌سازی که ایالات متحده مدعی شد پس از حمله و اشغال آن را آغاز کرده است. بهترین چیزی که می‌توان امیدوار بود این است که این آخرین میخ در تابوت کل ایده‌ی ملت‌سازی باشد.

آنتونی بلینکن، وزیر خارجه، در برنامه‌های صبح یکشنبه حضور داشت و با مقایسه‌ی این وضعیت با سقوط سایگون مخالفت کرد. اما من با این قیاس موافقم، چراکه حتی از سقوط سایگون هم بدتر است. بیشتر خودزنی است. در دسامبر ۲۰۰۱، طالبان پیشنهاد کرد قندهار، آخرین شهری را که در اختیار داشتند، تسلیم کند. همه‌ی آن‌چه می‌خواستند این بود که رهبر آن‌ها در آن زمان، ملا عمر، به جای فرستادن به ابوغریب یا هر جای دیگر در حصر خانگی باشد. دولت بوش گفت: «نه، علاقه‌ای به این کار نداریم» و نوزده سال و نیم بعد عقب‌نشینی کرد.

در ویتنام چنین مقطعی وجود نداشت که ویتنام شمالی پیشنهاد تسلیم شدن بدهد و ایالات متحده پاسخ نه بگوید و به درگیری ادامه دهد. بنابراین، اگر قیاس هم بکنیم، این بسیار بدتر و شرم‌آورتر و تحقیرآمیزتر از ویتنام است.

به نظر می‌رسد طی این سال‌ها افرادی که از حمله‌ی آمریکا به افغانستان «سود» بردند، صرفاً پیمانکاران خصوصی نظامی، دلالان هرویین و افراد مرتبط با جناح‌های مختلف قدرتمند دولت تحت حمایت آمریکا در افغانستان بوده‌اند. درسته؟ آیا چیز «خوب»ی هم حاصل شده است؟

پیمانکاران نظامی خصوصی قطعاً. تجارت هرویین هم قطعاً از بیست سال گذشته سود برده است.

آن جنگ‌سالارانی که ایالات متحده ثروتمندشان کرده بود و مال‌ومنال زیادی کسب کرده بودند، اغلب اکنون باخته‌اند. آخر هفته ویدیوهایی منتشر شد از اعضای مسلح طالبان در عمارت پرشکوه عبدالرشید دوستم، معاون رئیس‌جمهور سابق، که رهبر شبه‌نظامیان هم بود و از مزار شریف که شنبه‌ی گذشته سقوط کرد، دفاع می‌کرد. این نخستین قطعه‌ی دومینوی بزرگی بود که در روزهای گذشته رخ داد. او فقط یک کاخ مجلل مسخره داشت که در آن زندگی می‌کرد که اکنون آن را از دست

داده است. او در تبعید به سر می‌برد. (دوستم واقعاً باید در لاهه محاکمه شود - او یک جنایتکار جنگی است.)

با این حال، اشرف غنی که افغانستان را بد اداره کرد و به این نقطه رساند که مردمی که به حال خود رها کرده رنج ببرند، زندگی خوبی در تبعید خواهد داشت. احتمالاً از وی دعوت به عمل می‌آید به گردهم‌آیی‌های اجتماعی می‌رود و یک سلسله سخنرانی انجام می‌دهد و از جایی مستمری می‌گیرد، و به خوبی کارش را انجام خواهد داد. بنابراین او قطعاً سود برده است

با این همه، تلاش می‌کنم به اشخاص دیگری و رای این‌ها فکر کنم.

### آیا تا امروز چیز خاصی درباره‌ی حکومت طالبان مشخص شده است؟

طالبان وعده‌های زیادی دادند که «بله، ما طالبان قدیمی نیستیم. قرار نیست به همان شکل حکومت کنیم. قرار نیست زنان را سرکوب کنیم، با مردم حاشیه بدرفتاری نمی‌کنیم.» اما آنها [در دهه‌ی ۱۹۹۰] به شیوه‌ای بسیار سرکوبگر حکومت کردند، و احتمالاً این همان چیزی است که دوباره رخ می‌دهد.

اکنون، برای طالبان برخی ملاحظات دیپلماتیک وجود دارد. باید مراقب رفتارشان با هزاره‌ها، گروه بزرگ اقلیت شیعه، باشند، زیرا می‌توانند با ایران دشمن هماهنگ شوند. طالبان ملاحظاتی دارند که فکر نمی‌کنم ضرورتاً وارد معادلات دهه‌ی ۱۹۹۰ بشوند. ممکن است سعی کنند این بار کارهای متفاوتی بکنند. اما برای گفتن چنین چیزهایی خیلی زود است.

وقتی به یک انقلاب اسلامی فکر می‌کنیم، لزوماً یاد ایران می‌افتیم، و پس از انقلاب ایران، جماعت مهاجر بزرگی وجود داشت. آیا احتمالاً شاهد چنین چیزی در افغانستان خواهیم بود؟

تا اندازه‌ای، تا امروز شاهد چنین وضعی بوده‌ایم. موجی از پناهندگان وجود داشته که بیشتر از طریق ایران و به ترکیه می‌روند. فکر می‌کنم کماکان شاهد چنین اتفاقی خواهیم بود.

ایالات متحده، بریتانیا و دولت‌های غربی که وانمود می‌کنند خیلی نگران مردم افغانستان هستید، این پناهندگان را در آغوش می‌گیرند و تلاش می‌کنند آن‌ها را به زندگی در شرایط نامطلوب زندگی در جاهایی مانند ترکیه یا دیگر کشورهای منطقه وادارند.

طالبان در حال حاضر بخش بزرگی از این مرزها را کنترل می‌کند، بنابراین خروج از افغانستان برای مردم دشوارتر خواهد بود، اما فکر می‌کنم کماکان شاهد آن خواهیم بود.

**فکر می‌کنید ایالات متحده در روزها و هفته‌های آینده چه خواهد کرد؟ و**

**بعد این که چه باید بکند؟**

آنچه انجام خواهیم داد این است که خیلی درباره‌ی افغانستان حرف خواهیم زد: «آه، زنان افغان، جامعه‌ی مدنی، امیدواریم که طالبان کاری نکنند که آن‌ها آسیب ببینند. ما از طالبان می‌خواهیم که به اراده‌ی مردم افغانستان احترام بگذارند. احتمالاً تهدیدهایی درباره‌ی تحریم‌های احتمالی مطرح خواهیم کرد و احتمالاً سعی می‌کنیم برای عدم به رسمیت شناسی این دولت جدید تحریمی بین‌المللی را سازمان دهیم. اما حداقل دو قدرت بزرگ در منطقه را دارید، چین و روسیه، که می‌خواهند با این دولت رابطه داشته باشند، زیرا در غیر این صورت نگرانی‌های امنیتی برای‌شان وجود خواهد داشت. بنابراین نمی‌دانم این کارها مؤثر خواهد بود یا خیر.

کاری که ما باید انجام دهیم همان چیزی است که قبلاً گفتید. باید پناهنده بگیریم. این باید تمام تمرکز دولت آمریکا باشد. همه‌ی کسانی را که در حوزه‌هایی

فعالیت می‌کنند که در معرض تهدید به خشونت هستند از کشور خارج کنید، آن‌ها را به ایالات متحده برسانید، از سخت‌گیری در مصاحبه و صدور ویزا دست بردارید. باید پناهندگان را از هر نقطه‌ای، نه فقط از افغانستان، بپذیریم. ظرفیتش را داریم، فقط اراده‌اش نیست. اما بدون تردید در این‌جا، در یک منازعه، در موقعیتی که ما ایجاد کرده‌ایم، باید مسئولیت پذیرش افرادی را که به دنبال پناهندگی هستند برعهده بگیریم.

بیا بید با همین بحث گفت‌وگو را به پایان برسانیم. کسی را دیدم که در توئیتر چیزی گفته بود با این مضمون که وقتی ایالات متحده چیزی را خراب کرده خودش هم باید مسئولیت آن را برعهده گیرد. - که پیش از این همیشه برای توجیه ماندن ایالات متحده در افغانستان به کار می‌رفت. نظرتان درباره‌ی این استدلال چیست؟

فکر نمی‌کنم در شرایطی که ما همواره به بدتر شدن اوضاع کمک کردیم چنین استدلالی مصداق داشته باشد. منظورم این است که ما وارد افغانستان شدیم و آن‌جا را خراب کردیم، و سپس بیست سال آن‌جا بودیم و هر روز و هر سال کمی اوضاع را خراب‌تر کردیم. قطعاً هیچ فرصتی برای تجدید وصال با این کشورها وجود ندارد. صرفاً آن‌جا مستقر و مانع بهبود اوضاع می‌شویم. و این واقعاً همان چیزی است که در این مورد دارد اتفاق می‌افتد.

---

پیوند با منبع اصلی:

[Everything You Need to Know About What's Happening in Afghanistan](#)